۱۰ فیلم‌های غیرکمدی در گیشه امسال رقابت تنگاتنگی با آثار کمدی دارند

جدی‌ها می‌خندند

گزارش کپسولی

رئیس هیات مدیره انجمن عکاسان:

دلخوش به حمایتیم نه دخالت

رویداد هنری «۱۰ روز با عکاسان» که هفت سال است به همت انجمن عکاسان ایران برگزار می‌شود، امسال با تغییرات زیادی پا به هشت سالگی گذاشت. نشست خبری این دوره که از هشتم تا هجدهم آذر برپا می‌شود با حضور سیف ا... صمدیان، رئیس هیات مدیره انجمن عکاسان ایران و اسماعیل عباسی، دبیر هشتمین دوره ۱۰ روز با عکاسان ایران روز گذشته (دوشنبه ۳ آذر) در سالن استاد امیرخانی خانه هنرمندان ایران برگزار شد.

صمدیان در بخشی از این نشست گفت: انجمن عکاسان ایران یك انجمن سراسری متشکل از شش انجمن دیگر (میراث فرهنگی، مطبوعاتی، سینما، تئاتر، صنعتی و تبلیغاتی، انجمن عکاسان انقلاب و دفاع مقدس) است. ما تا دوره هفتم ۱۰ روز با عکاسان ایران قصدمان گرد هم‌آوردن همین انجمن‌ها بود، جریانی که ابتکار نویی محسوب می‌شد و با دلسوزی انجمن‌های عکاسی همراه بود. اما تصمیم بر این بود که پس از آن هر انجمن خودش برنامه‌های مستقل داشته باشد، بنابراین جدایی ما از دیگر انجمن‌ها، از سر مهر و علاقه بود.

صمدیان با بیان این که انجمن عکاسان ایران از ۱۳۸۸ راه‌اندازی شد و مأموریت هیأت مدیره دوره اخیر، اردیبهشت به پایان می‌رسید، گفت: ما قصد دخالت در کارهای هیأت مدیره جدید را نداشتیم، اما چون مجمع عمومی به حد نصاب نرسید (انجمن ۱۸۰۰ عضو دارد)، مجبور شدیم ادامه دهیم اما فرصت کمتری داشتیم. با این حال قرار است انتخابات انجمن برای اولین بار به صورت الکترونیکی انجام شود تا اعضای خارج از تهران هم برای رأی دادن به زحمت نیفتند. اما به دلیل قطعی اینترنت، انتخاب هیأت مدیره جدید به تأخیر افتاد.

صمدیان درباره حمایت‌های مالی از این رویداد گفت: با همه خستی که در هزینه کردن به خرج می‌دهیم، حدود ۵۰۰ میلیون تومان هزینه این رویداد است و ما به حمایت‌ها و نه دخالت‌های بخش‌های دولتی نظیر سازمان زیباسازی و دفتر تجسمی ارشاد، دل‌خوش کرده‌ایم.

عباسی هم در ادامه نشست گفت: با توجه به زمان محدودی که داشتیم یا باید ۱۰ روز با عکاسان ایران برگزار نمی‌شد یا به این دوره به عنوان دوره گذار نگاه می‌کردیم. همچنین از یك شورای داوری و هنری جوان زیر ۳۵ سال هم استفاده کردیم. با توجه به زمان اندك، فراخوانی منتشر نشد اما تلاش شد کسی از اعضای انجمن از قلم نیفتد و با همه آنها تماس گرفته شد، برخی آمادگی مشارکت نداشتند و برخی اثر خود را برای قضاوت ارسال کردند. نهایتا به ۴۰ عکاس و ۴۰ پروژه رسیدیم. کتاب عکس نمایشگاه هم حدود ۱۶۰ صفحه دارد که دربردارنده این ۴۰ پروژه است.

درخت، خانه من است

کودکان نقاش کانون پرورش فکری در یك جشنواره ژاپنی درخشیدند و تصویر متفاوتی از محیط زیست ارائه کردند

این یکی از نقاشی‌هایی است که دل ژاپنی‌ها را برده است / نقاش: مهدیه جعفرپور

زینب مرتضایی‌فرد

فرهنگ و هنر

محیط زیست من اینجاست. فارغ از درخت‌هایش، فارغ از حضور آب و زمین و آسمان، آدم دارد؛ آدم‌هایی که اگر نباشند حتما درخت‌ها و زمین و ابر هم تنها می‌مانند. اینها را می‌شود در نقاشی‌هایی که بچه‌های ایرانی با موضوع محیط زیست راهی جشنواره «جی کیو ای» در کشور ژاپن کرده‌اند، تماشا کرد.

هر چند برای ما آدم بزرگ‌ها اغلب محیط زیست یادآور فضای کوه و درخت و جنگل و بیابان است، اما بچه‌ها ظاهرا درك کامل‌تری از آن دارند و با کنار هم قرار دادن انسان و محیط اطرافش یادآوری می‌کنند طبیعت هم با حضور و وجود انسان معنای کامل‌تری پیدا می‌کند. آنها هم آدم‌ها را می‌خواهند و هم جنگل‌ها را.

درخشش کانونی‌ها در ژاپن

کانون پرورش فکری برای خیلی از کودکان و نوجوانان سابق و آدم بزرگ‌های حالا بسیار جذاب است. هم هنرمندان بسیاری تا امروز درباره پیشینه شکل‌گیری شخصیت‌شان در سایه فعالیت‌های کانون حرف زده‌اند و هم خیلی از ما تجربه لحظه‌های خوشی را در آن داشته‌ایم، آن‌قدر که همین دیروز موقع نوشتن گزارش، همکارانمان هم از شنیدن نامش لبخند به لب آوردند و محمدصادق علیزاده، دبیر گروه هم یادآوری کرد اولین فعالیت‌های فرهنگی‌اش در سنین کودکی در کانون شکل گرفته و هنوز هم با همان حال خوش آن سال‌ها در عرصه فرهنگ فعالیت می‌کند یا ساناز قنبری، خبرنگار سینمایی‌مان که اولین جرقه‌های علاقه‌مندی‌اش به هنر را در تئاترهای کانون پیدا کرده است و....

خب حالا ربطش به ماجرای نقاشی‌های کودکان ایران و موفقیتش در جشنواره ژاپنی در چیست؟ در این‌که «جی کیو ای» چیست؟ الان برایتان می‌گویم. کودکان و نوجوانان ایرانی هم مانند بسیاری از هم‌سن و سالانشان در سراسر دنیا برای جشنواره «جی کیو ای» نقاشی کرده‌اند، اما از بین ۱۴ هزار و ۲۰۹ اثر رسیده از ۹۸ کشور جهان، چهار نفر از اعضای مراکز فرهنگی هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان موفق به دریافت جایزه شده‌اند. کانون هنوز هم بلد است برای بچه‌ها پناه باشد و رویاهای کودکانه‌شان را جان بدهد. هنوز هم بلد است کمکشان کند رنگ‌های تازه‌ای را برای جهان خاکستری که در آن زندگی می‌کنیم، کشف کنند و دنیا را به تحسین وا دارند. کانون هنوز می‌درخشد و می‌درخشاند، مگر این اتفاق کمی است؟

شمالم تا جنوبم عشق

چهار برگزیده ایرانی از چهار مرکز استانی کانون توجه چشم بادامی‌ها را به خود جلب کرده‌اند. نازنین یزدی ۱۰ ساله از مرکز فرهنگی هنری کانون بافت استان کرمان، مهدیه جعفرپور ۱۱ ساله از مرکز فرهنگی هنری شماره ۲ کانون اردبیل و ثمین محجوب ۱۰ ساله از مرکز فرهنگی هنری شماره یک کانون کرمانشاه موفق به کسب جایزه اول بخش بین‌الملل و پریا طلوعی ۱۴ ساله از مرکز فرهنگی هنری کانون بندر انزلی استان گیلان موفق به دریافت دیپلم افتخار بخش بین‌الملل این دوره از مسابقه شده‌اند. بچه‌هایی که از پایتخت و کلانشهرها دورند این را می‌توان در تصاویری که با رنگ‌های جاندار هم روایتش کرده‌اند، تماشا کرد. دو استان شمالی البته یکی در شمال کشور و دیگری شمال غربی و دو استان مرکزی و تقریبا واقع در جنوب ایران، یزد و کرمان نگاه بچه‌های جغرافیای خاص و متفاوت ایران را نشان می‌دهند.

نکته جالب‌تر را هم می‌توان در این دید که هر چهار برگزیده دخترانی هستند که رنگ‌ها و تصاویری را خلق کرده‌اند که محیط انسانی و طبیعی با هم و در کنار هم زیبا می‌شوند و معنی پیدا می‌کنند.

زندگی با طبیعت

بچه‌ها با طبیعت زندگی را می‌آموزند. همان‌طور که انسان‌های نخستین هم کنار طبیعت بزرگ شدند و زیستن را رفته‌رفته یاد گرفتند. هر جا آدمیزاد به طبیعت نزدیك‌تر است، حیرت‌هایش عمیق‌تر و جهان‌بینی‌اش زیباتر، مگر نه این‌که پیامبران هم چوپانی می‌کرده‌اند؟

اگر مسؤولان کانون محیط زیست به روایت بچه‌های کلانشهرها را منتشر کنند، احتمالا محیط زیست معنای متفاوتی در کارهایشان خواهد داشت. محیط زیست می‌شود پارکی که اگر فرصت شود دمی در آن بازی کنند و تفریح، محیط زیست برای کودکان آپارتمان نشین احتمالا بخشی از زندگی است، نه تنیده شده با آنچه که می‌گذرانند....

در نقاشی‌های بچه‌ها طبیعت ماییم و ما طبیعت، هر دو جزئی از یکدیگریم. از هم جدا نیستیم و وقتی با هم یکی باشیم، می‌توانیم مراقب هم باشیم. انسان، گیاه و حیوان با هم هیچ فرقی ندارند و هر سه مکمل یکدیگرند و این همان نگاهی است که جهان امروز برای داشتنش و حفاظت از محیط زیست تلاش می‌کند. کاش دنیای بچه‌های امروز، دنیای آدم بزرگ‌های فردا را متفاوت از امروز بسازد.

نازنین یزدی

ده ساله - بافت - کرمان

جایزه اول بخش بین‌الملل جشنواره

در نقاشی نازنین، انسان در محیط زیست زندگی می‌کند. زن‌های بزرگ بالای صفحه نقاشی حضور مهم و پررنگ زنان را نشان می‌دهد. آدم‌ها شاد هستند و پدر و پسر پشم گوسفندها را می‌تراشند و زنان دیگر، گوشه و کنار کادر مشغول کارند. یکی قالی می‌بافد، دو نفر دیگر مشغول رنگ کردن نخ‌ها هستند و همه در پناه مادر بزرگ‌تری به نام طبیعت زندگی می‌کنند. برای نازنین، انسان و طبیعت دو مقوله جدا از هم نبوده و در هم تنیده‌اند، درست مثل نخ‌هایی که در نقاشی می‌چرخند و همه اجزای نقاشی را و جهان ذهنی دخترك ده ساله را به هم پیوند می‌دهد.

ثمین محجوب

۱۰ ساله - کرمانشاه

جایزه اول بخش بین‌الملل

تماشای نقاشی ثمین از نزدیك حال خوشی دارد. در جهان کودکانه او خربزه کیلویی ۴۰۰ تومان است و کدو حلوایی کیلویی ۸۰۰ تومان. اصلا برای آدم بزرگ‌ها که قیمت‌ها در حال بلعیدنمان هستند، نگاه کردن به این نقاشی رویاپردازی شیرینی است دیگر... در نقاشی ثمین هم، محیط زیست یك مرکز خرید محلی است که در آن مردم در حال خرید میوه و سبزیجات هستند. اما محیط زندگی این دخترك و نگاهش به آدم‌های اطرافش هم نکته جالبی است. زنی با چادر آن دورترها ایستاده در آستانه ورودی خاکی رنگ و کمی جلوتر مردی روی ویلچر. انگار رگه‌های جنگ بعد از گذر سال‌های بسیار هنوز هم در ذهن کودکان منطقه که درکی از جنگ نداشته‌اند زنده است.

پریا طلوعی

۱۴ ساله - گیلان

دیپلم افتخار بخش بین‌الملل

نقاشی پریا تمام آن تصویری است که ما از شمال داریم. نقاشی طبعا به سبب بالاتر بودن سنش نمود عینی و واقعی بیشتری دارد، اما در این کار هم می‌بینیم انسان و طبیعت چگونه در هم تنیده شده‌اند و همزیستی دارند. مهربانی و سخاوت انسان و طبیعت نسبت به یکدیگر در این خطه از ایران به‌خوبی در نقاشی قابل مشاهده است.

مهدیه جعفرپور

۱۱ ساله - اردبیل

جایزه اول بخش بین‌الملل جشنواره

فرش‌ها و دیوارها انگار زمین و جنگلند. بخاری گوشه خانه روشن است و آدم‌ها در رفت و آمدند. دست پدربزرگ و تسبیحش توی کادر هستند. آدم‌ها به هم میوه تعارف می‌کنند و در حال همکاری‌اند. شاید در اهر نقاشی مهدیه هیچ ارتباطی با محیط زیست نداشته باشد، اما او تمام آنچه را یك نوجوان برای زیست در محیط نیاز دارد، به نمایش گذاشته است. مهربانی، عشق و بازگشت تمام رنگ‌های رفته از زندگی‌های شلوغ امروز را می‌توان در کادر نقاشی این نوجوان مشاهده کرد. رنگ‌ها و نقش‌هایی که حتی روی لباس‌های آدم‌های نقاشی هم حضور پررنگی دارند.

پشت صحنه

درخشش بچه‌ها در سرزمین آفتاب تابان

اوضاعی داریم آقا! اوضاعی! نمونه‌اش همین دوستان گروه جامعه که می‌خواهند عصرانه بدهند، ولی اعضای گروه فرهنگی را تحریم کرده‌اند که اگر سمت بساط عصرانه بیایید با شما همان خواهد شد که اسکندر مقدونی با تخت جمشید کرد و این قبیل تهدیدها! حالا از خست مضاعف دوستان بگذریم، حجم خشونتی که از لابلای واژه‌های این تصمیم بیرون می‌زند، فیوز هر منصفی را خواهد پراند، پراندنی! الغرض که سر به جَیب مراقبت فروده و پشت میز فرهنگی نشسته و ساکت و راه‌وار مشغول نگارش پشت صحنه شدیم باشد که خدا و خلق خدای را خشنود نموده باشیم و جماعتی را همراه آنچنان که افتد و دانید!

و اما بعد... ها... یك چیز را یادمان رفت! اجازه بدهید این را هم بگوییم تا نترکیده‌ایم! دیده شده که ستون پشت صحنه روزگذشته مرقوم شده در این صفحه در گروه‌های نامرتبط خبرنگاران دست به دست شده که ببینید جام جمی‌ها دارند چه می‌کنند و همدیگر را سوژه کرده‌اند و این قبیل لاطائلات! ناگفته بر ما پیداست که این قبیل هتاکی‌ها بیش از همه به نیت پایین کشاندن کرکره این ستون صورت می‌گیرد غافل از آن‌که نیروهای مولتی تسك گروه فرهنگ و هنر، چناری نیستند که بدین بادها بلرزند. تا باد چنین بادا!

و اما بعد... امروز سه گزارش و دو صفحه با نمك و بامزه داریم. اولی را زینب مرتضایی‌فرد در همین صفحه بسته. قضیه از این قرار است که نقاشی چند نفر از بچه‌های ایرانی در نمایشگاهی در سرزمین آفتاب تابان در ژاپن خوش درخشیده و دیده شده. مرتضایی‌فرد هم رفته سراغ این نقاشی‌ها تا ببیند چه هستند. دیده چقدر بامزه و بانمکند و همین هم باعث شد که سوژه امروز صفحه ۹ فرهنگی را اختصاص بدهد به این بچه‌ها و نقاشی‌های بانمك‌شان.

در ادامه گزارش‌های نمکین و خوشمزه، علی رستگار هم در صفحه ۱۰ که صفحه سینما باشد رفته سراغ مقایسه گیشه سینماها از ابتدای سال ۹۸ تا همین الان تا ببیند کمدی‌ها و غیرکمدی‌ها و کودك و نوجوان‌ها چه وضعی دارند و در رقابت با هم در چه اوضاعی به سر می‌برند. به نتایج جالبی هم رسیده که خواندنش خالی از لطف نیست. ورق بزنید بروید صفحه ۱۰.

در نهایت هم صابرخان محمدی که در جشنواره کتاب و رسانه، جایزه‌ای به هم زده و گویا قرار نیست شیرینی‌اش را به بچه‌های فرهنگی بدهد رفته سراغ شوخی‌هایی که مردم در این چند روز قطعی اینترنت با هم کرده بودند. اجمالا در جریان هستید که ملت همیشه در صحنه از هر فرصتی برای مزاح و لطیفه استفاده می‌کنند و از قضا قطعی یا اختلال اینترنت هم از این قاعده مستثنی نبود. خب چه سوژه‌ای بهتر از این؟!